

جلسه‌ای تفسیر قرآن بگویند، باز هم انتخاب استاد برای شروع، سوره‌ی مائده بود و بعد از آن، سوره‌ی مبارکه‌ی انفال. جلساتی که در آن، مباحث مهم عقیدتی و مبارزاتی گفته شد اما «متأسفانه، نوارهای این جلسات از دست رفت. یعنی نفهمیدیم دست کی افتاد و چه شد و الا آنها چیزی بود که الآن به دردمی خورد.»

واضح است که برای آیت‌الله خامنه‌ای، صرفاً بیان نکات تفسیری موضوعیت نداشت. او که از همان ابتدا، اساس کار خود را در مبارزه برای تحقق حکومت اسلامی بنا نهاده بود، تفسیر قرآن را طریقی می‌دانست برای بیان مضامین اجتماعی و سیاسی، به همین علت، سوره‌ها و آیاتی را انتخاب می‌کرد که در آن، درباره‌ی «لزم حاکم شدن دین بر جامعه» و «مبارزه‌ی با طاغوت» تصریح شده بود. برای همین، این جلسات آن قدر موجب خشم و عصبانیت رژیم پهلوی شد که در اسناد ساواک، از ایشان به عنوان فردی «غیر قابل اصلاح» که «بالاخره باید از حوزه‌ی علمی طرد گردد» نام برده شده است.

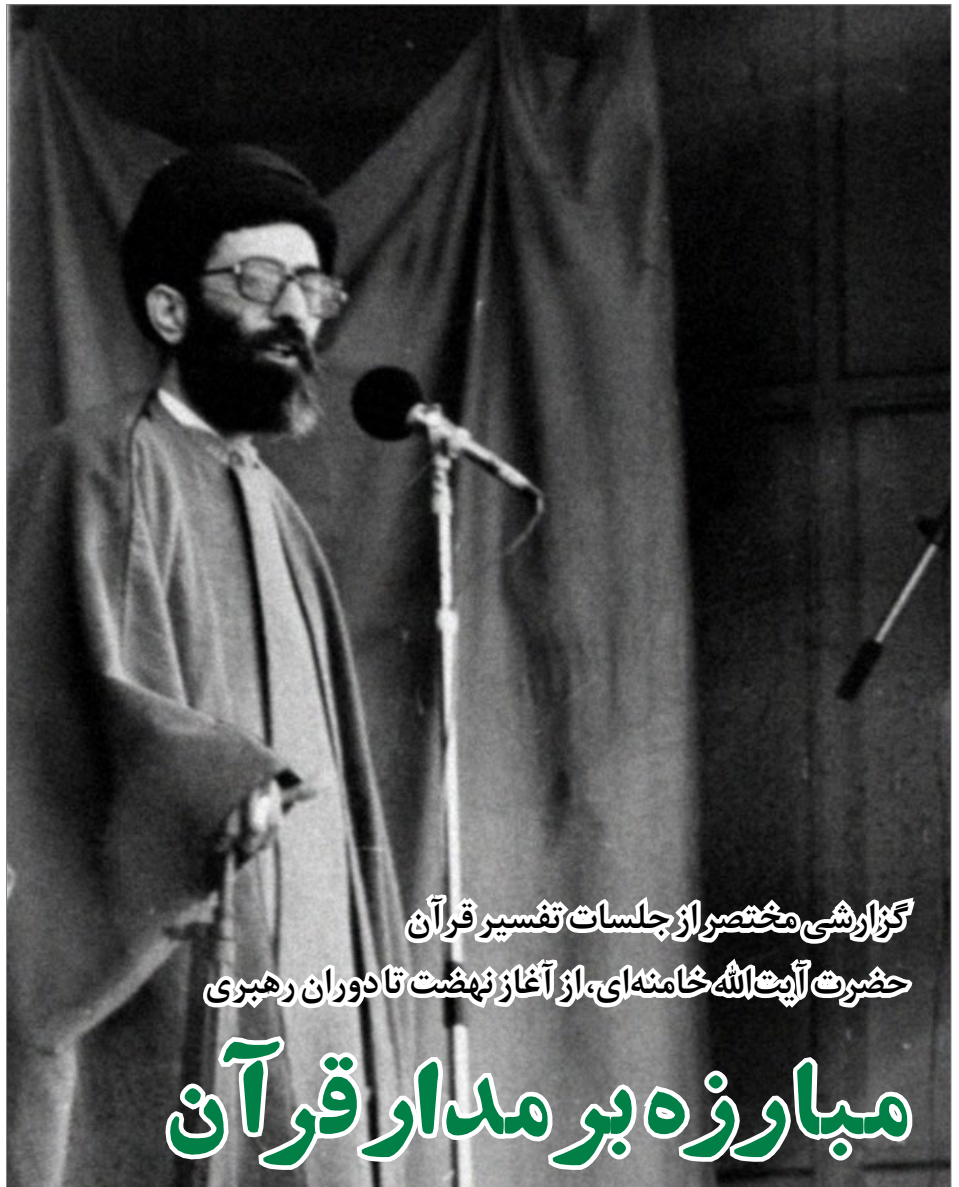
محل این جلسه ابتدا «مسجد صدیقی‌ها» در بازار سرشور مشهد بود و بعدها با افزایش تعداد شرکت‌کنندگان به کتابخانه‌ی «مدرسه‌ی میرزا جعفر» منتقل شد. این جلسه مدت‌ها ادامه داشت تا اینکه با دستگیری وزندانی شدن ایشان در سال ۵۰ متوقف شد.

زندانی به خاطر گفتن تفسیر قرآن!

زندانی اما نه تنها مانع کار سیدعلی خامنه‌ای در بیان معارف قرآنی نشد، بلکه اتفاقاً فرصتی مهیا کرد برای انس و نزدیکی بیشتر او با قرآن. برای همین، بلافاصله با آزادی آیت‌الله خامنه‌ای از زندان ستم‌شاهی، این جلسات مجدداً از سر گرفته شد و تفسیر سوره‌های مبارکه‌ی مائده، انفال، براءت و آیاتی از سوره یونس، از اوایل سال ۵۱ تا بهمن همان سال ادامه یافت که چندی پیش، کتاب تفسیر سوره‌ی براءت توسط انتشارات انقلاب اسلامی منتشر شده و در دسترس همگان قرار گرفته است. بعدتر، تفسیر سوره‌ی بقره نیز در جلسات مسجد قبله و کتابخانه‌ی مدرسه‌ی میرزا جعفر پی گرفته شد. ولی تنگ‌نظری و نگاه سطحی رژیم شاه موجب برخورد و سخت‌گیری و سرانجام تعطیلی این جلسات شده است: «بند محدود سال ۵۰ در مشهد برای دانشجویان درس تفسیر می‌گفتم و اوایل سوره‌ی بقره - ماجراهای بنی اسرائیل - را تفسیر می‌کردم. بنده را به ساواک خواستند و گفتند چرا اسم ارجع به بنی اسرائیل حرف می‌زنی؟ گفتیم آیه‌ی قرآن است: من دارم آیه‌ی قرآن را معنا و تفسیر می‌کنم. گفتند نه، این اهانت به اسرائیل است! درس تفسیر بنده را به خاطر تفسیر آیات بنی اسرائیل - چون اسم اسرائیل در آن بود - تعطیل کردند.» ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

ماه رمضان سال ۱۳۵۱ اما نقطه‌ی شروع جلسات دیگر استاد سیدعلی خامنه‌ای در مشهد بود. مسجدهای کم‌شمار «مسجد امام حسن (ع) سراغ ایشان آمدند و پیشنهاد دادند که ایشان امام جماعت این مسجد شود. پس از چند روز برگزاری نماز جماعت، امام جماعت جدید و جوان مسجد، روزه نماز گزاران کرد و چنین گفت: «با این چند شبی که ما اینجا دور هم جمع شدیم، حقی شمایه گردن من پیدا کردید و حقی هم من به گردن شما پیدا کردم. اما حق شما بر گردن من این است که من قدری برای شما حرف بزنم و حدیثی، برایتان بخوانم. حق من هم به گردن شما این است که شما حرف‌های مرا گوش کنید و یاد بگیرید... من حق خودم



گزارشی مختصر از جلسات تفسیر قرآن
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، از آغاز نهضت تا دوران رهبری

مبارزه بر مدار قرآن

و حزب‌اللهی‌های محله‌ی «پایین خیابان مشهد» - که امروزه به خیابان شهید نواب صفوی شناخته می‌شود - جلسه‌ای را راه انداخته بودند تا در آن جلسات معارف دینی و آگاهی‌های سیاسی خود و اطرافیانشان را بالا ببرند. بر گزار کنندگان این جلسه از «سید علی خامنه‌ای» که به تازگی پس از یک دوره‌ی شش ساله‌ی تحصیل، از قم به مشهد باز گشته بود دعوت کردند تا برایشان قرآن را تفسیر کند. اعضای این جلسه «یک عده جوان‌های پر شور علاقمند، واقعا حزب‌اللهی، از سطوح مختلف بود... که کارهای مبارزه را واقعا اینها سازمان و سامان می‌دادند.» سوره‌ی مبارکه‌ی مائده انتخاب استاد برای محتوای این جلسات بود.

چهار سال بعد، زمانی که دو نفر از شاگردان آیت‌الله خامنه‌ای، یعنی شهید حجت‌الاسلام سیدرضا کامیاب و حجت‌الاسلام محمدباقر فرزانه از استادشان خواستند تا در کنار جلسات درس فقه و اصول عقاید، در

سال‌هاست که برنامه‌ی ثابت رهبر انقلاب در روز اول ماه مبارک رمضان، جلسه‌ی سه چهار ساعته‌ی «انس باقرآن» با حضور قاریان ممتاز یا جوان، از اقصی نقاط کشور است. تنوع این جلسه گستره‌ای از قرائت مجلسی تا جمع‌خوانی نوجوانان تا ابتهاج‌خوانی و تواشیع را در بر می‌گیرد. رهبر انقلاب از ابتدای جلسه حضور دارند و معمولاً بعد از خواندن هر یک از قاریان، نکاتی را به صورت خصوصی به آنان می‌گویند. اما سابقه‌ی جلسات قرآنی رهبر انقلاب، خیلی پیشتر از اینها است. شاید بتوان نقطه‌ی شروع این جلسات را از سال ۴۳ شمسی، یعنی زمانی که رهبر انقلاب، طلبه‌ای ۲۵ ساله بود دانست. روزها و سال‌هایی که اساساً جلسات قرآن به گستردگی امروز در کشور عزیزمان برقرار نبود.

آغاز کلاس‌های تفسیر قرآن

ماه رمضان سال ۱۳۴۳، همزمان با فصل پاییز بود. آن سال، جوانان و کسبه



امتیاز بر جسته شهدا | این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه شهدای عملیات امام علی (ع)*

مادر قضیه‌ی شهادت شهیدان... معمولاً جوانان محدودی را می‌بینیم و مشاهده می‌کنیم... یکی از این جهات، فرصت‌شناسی و پاسخگوئی به نیاز لحظه‌هاست... جوانان شجاع و باغیرت و مؤمن و فداکاری که نیاز کشور را احساس کردند و به سراغ خطر رفتند و به استقبال خطر شتافتند، اینها این امتیاز بر جسته را دارند که نیاز را در زمان خود فهمیدند و به آن پاسخ گفتند. این یک بعد بسیار مهمی است، این برای مادر است. ۹۰/۷/۲۱ * عملیات امام علی (ع) در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ با هدف آزادسازی تپه‌های الله‌اکبر در منطقه سوسنگرد با همت رزمندگان اسلام صورت گرفت. همچنین این عملیات نقطه‌ی عطفی شد برای موفقیت در عملیات‌های بعدی.



فضای مجازی را برای مردم امن کنید



امروز فضای مجازی در زندگی مردم، دیگر مثل پنج سال پیش و ده سال پیش نیست؛ گسترش فضای مجازی یک گسترش بسیار وسیع و عظیمی است. خوب، این فضای مجازی منافی دارد، امکاناتی دارد، خطراتی هم دارد، خطرات بزرگی هم دارد. اگر چنانچه این فضا ناامن باشد برای مردم، ضررش را مردم می‌برند. شما خوب حالا پلیس فتا و مانند اینها هم که هست، کارهایی می‌کنید - در این زمینه می‌توانید به معنای واقعی کلمه، به طور جدی وارد بشوید و کار کنید که آن وقت، همکاری شما با قوه قضائیه، هم در این قضیه، هم در آن قضیه‌ی قبلی که مربوط به رونق تولید بود و مسئله‌ی قاچاق، مهم است. ۹۸/۲/۸

پرسش پاسخ

طلبه‌ها چه کاری باید انجام دهند که در جامعه تأثیرگذار باشند؟

اگر می‌خواهید افکارتان، پیشنهادهایتان، خصوصیات برجسته‌ای که روحیه‌ی شما بجمعه‌ها از آن برخوردار است، در جامعه تأثیر بگذارد، باید باسواد باشید، باید درس بخوانید، باید ملاً باشید. درس را جدی بگیرید؛ نگویید حالا دنیا دارد براساس پیشرفت‌های فنی و فناوری و مانند اینها اداره می‌شود، ما نشست‌ایم داریم مثلاً فرض کنید حاشیه‌ی ملاء عبدالله می‌خوانیم یا فرض کنید منطق مظفر می‌خوانیم؛ نه، این منطق مظفر را باید بخوانید؛ این کتاب نحو را یا کتاب صرف را به عنوان مقدمه باید بخوانید... تا بتوانید به عنوان یک روحانی... اثرگذار باشید. باید درس خواند. ما در بین روحانیون کسانی را داشتیم که از لحاظ مبارزه چیزی کم نداشتند، اما از لحاظ علمی، نصاب لازم را نداشتند؛ اینها نتوانستند تأثیر قابل توجهی در پیشرفت این مبارزه یا در ایجاد این حرکت عظیم بگذارند. آن کسی توانست که - مثل امام - در حد نصاب کامل بود. ۹۶/۶/۶

خاطرات رهبر انقلاب از جریان‌های سیاسی - اجتماعی انقلاب اسلامی

برای ثبت در تاریخ می‌گوییم

نقطه ضعف دو خط نهضت

از یک سو، کسانی بودند که خط مقابله با دستگاه حاکم را در پیش گرفتند، ولی از یک اندیشه‌ی مترقی اسلامی برخوردار نبودند، بلکه دچار تحجر و جمود فکری بودند. آنها به انگیزه‌ی غیرت اسلامی‌شان به مقابله با قدرت حاکمه‌ای برخاسته بودند که حریم مقدسات مسلمانان را مورد اهانت قرار داده بود. از سوی دیگر، کسانی هم بودند که در خط بیدارگری حرکت می‌کردند و افکار روشنی در زمینه‌ی اسلام داشتند؛ می‌کوشیدند دین را با زبان روز به جامعه عرضه کنند، با کج‌روی‌های فکری هم مبارزه می‌کردند، اما در خط مقابله با قدرت حاکمه حرکت نمی‌کردند.

دو خط تشکیل دهنده نهضت اسلامی ایران

وقتی در سال ۱۳۳۷ به قم رفتم، افکار مربوط به ایجاد دگرگونی اجتماعی در ذهنم موج می‌زد؛ و چون من در حوزه‌ی علمیه بودم، لذا طبیعی بود که کار نوسازی حوزه بخش اعظم توجه مرا به خود معطوف می‌داشت. در اینجا باید یکی از مشخصه‌های مهم نهضت اسلامی ایران را بیان کنم. این مشخصه عبارت است از وجود دو خط در این نهضت، که تعامل میان این دو خط، تشکیل دهنده‌ی روند تکاملی حرکت به سمت اسلام در این کشور بوده: نخست، خط مقابله‌ی دینی با دستگاه حاکم، که برخاسته از عقیده‌ی دینی بود. دوم، خط بیدارگری فکری و ارائه‌ی برنامه‌ی اسلامی برای زندگی، یا گفتمانی نو. یا به عبارت دیگر: خط نوسازی اندیشه‌ی دینی.

برای ثبت در تاریخ می‌گوییم

در اینجا باید برای ثبت در تاریخ بگوییم که من از اندک افراد معدودی بودم که در همه‌ی لحظات نهضت، هر دو خط را با هم آمیختم و به این ویژگی معروف بودم. در تمام زندگی مبارزاتی خود، همواره هر دو خط «مقاومت» و «روشنگری» را با هم ادامه دادم و معتقدم این دو را کاملاً باهم در آمیختم. نهایت سعی من این بود که دین را چنان که خدای متعال خواسته، به عنوان روشی برای رفتار عملی، و برنامه‌ای برای زندگی، و تغییری مستمر به سوی کمال مطلوب بفهمم و ارائه کنم. در همه‌ی کارهای فکری و عملی‌ام، و در سخنرانی‌ها و درس‌هایم، روی این خط تمرکز داشتم. همین گرایش به درک آگاهانه و روشن از اسلام، مرا واداشت تا به کتاب‌های اسلام‌گرایان عرب روی بیاورم. در کنار این، به هر فعالیتی که می‌توانست مردم را علیه قدرت حاکم بسیج کند و به صورت هسته‌ای برای رهبری مردم به سوی برپایی حکومت اسلامی درآید، دست می‌زدم.

متحجران از نهضت عقب ماندند

در اوایل، تمرکز نهضت روی مبارزه با دستگاه حاکمه‌ی دین‌ستیز بود. پس از آنکه روحیه‌ی مقاومت دینی در جامعه محکم و استوار شد و نهضت توانست به سمت ارائه‌ی نظریه‌ی اندیشه‌ی اسلامی به نحو مطلوب پیش برود، متحجران عقب ماندند؛ اما کسانی که بصیرت دینی داشتند و از فکر باز و روشن بهره‌ای داشتند، در مسیر نهضت ماندند. سپس، به‌ویژه طی سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ که دشوارترین سال‌ها برای انقلابیون بود و شاه همه‌ی گروه‌های مقاومت سیاسی را قلع و قمع و از میدان بیرون کرده بود، بسیاری از شخصیت‌های نهضت اسلامی، گرایش به خط دوم (خط روشنگری دینی) را ترجیح دادند. کسانی بودند که هم در آغاز و هم در پایان زندگی جهادی خود، در میدان مقاومت حضور داشتند، مادر سال‌های یادشده، هم خود را مصروف روشنگری فکری کردند. شهیدان بزرگوار، مطهری و بهشتی و باهنر از این جمله‌اند.

منبع: کتاب خون دلی که لعل شد

خط اصلی انقلاب اسلامی

۵

فعالیت اسلامی اقتضا می‌کند که همه‌ی نیروها با قابلیت‌ها و سلیقه‌های گوناگون جذب شوند. مردم در این زمینه با هم متفاوتند. در حدیث ماثور آمده: «لو علم الناس کیف خلق الله تبارک و تعالی هذا الخلق لم یلم أحد أحدا». «اگر مردم بدانند خداوند مخلوقات را چگونه آفریده، کسی کسی را سرزنش نمی‌کند». و این با اصل اختیار منافاتی ندارد، بلکه بر وجود اختلاف در طبیعت افراد بشر تأکید دارد. به عقیده‌ی من اگر فعالیت آگاهانه‌ی فکری اسلامی از جنبش و مبارزه جدا شود، خشک و بی روح می‌شود. روح مبارزه‌ی دینی هم اگر از آگاهی و اندیشه عاری گردد، دچار ارتجاع و تحجر می‌گردد. ترکیب مقاومت با آگاهی بخشی و رشد فکری، خط انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد.



را عمل می‌کنم، آیا شما هم حاضر هستید حق خودتان را ادا کنید؟» پاسخ مثبت نمازگزاران، جلسات پرمحتوا و پرمخاطبی را در سال‌های آینده در مسجد امام حسن (ع) و مسجد کرامت مشهد رقم زد که سلسله جلسات "گفتاری در باب صبر" و "طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن"، در ماه مبارک رمضان سال ۵۳ نمونه‌هایی از آن جلسات است. هر چند بار دیگر سختگیری‌ها و تهدیدهای دائمی رژیم طاغوت و دستگیری و زندانی شدن آیت‌الله خامنه‌ای مانع از برگزاری منظم این جلسات بود.

تفسیر قرآن برای تثبیت انقلاب

انقلاب اسلامی اگر چه به برکت همین جلسات نورانی قرآن و روضه‌های سیدالشهدا، خیلی زودتر از آنچه همگان فکر می‌کردند، در بهمن ۵۷ به پیروزی رسید و انقلابیون و به تبع آن آیت‌الله خامنه‌ای، درگیر مشغله‌ها و مسئولیت‌های مختلف شدند، اما همه‌ی اینها موجب نشد تا او، جلسات تفسیر قرآن را فراموش کند. او که به خوبی می‌دانست همان‌طور که جامعه برای "تحقق" حکومت اسلامی، نیازمند معارف ناب قرآنی است، برای "تثبیت" آن نیز به مراتب بیشتر به آن نیاز دارد. این شد که جلسات قرآن، به‌صورت هفتگی ادامه یافت و تفسیر سوره‌هایی چون مجادله، حشر، منافقون، ممتحنه، صف، تغابن، طلاق، جمعه، ملک در سال‌های ۶۰ تا ۶۴ توسط ایشان بیان شد. رهبر انقلاب دلیل انتخاب این بخش از قرآن برای جلسه درس خود را چنین بیان کرده‌اند:

«علت اینکه اینجا را انتخاب کردیم، این است که سوره‌های جزء بیست و هفتم و بیست و هشتم و این حدود، غالباً سوره‌های مدنی است و از سوره‌هایی است که در مدینه‌ی طیبه بر پیغمبر اکرم (ص) نازل شده و مربوط است به بعد از تشکیل حکومت اسلامی، یعنی وضع کنونی ما. نوع مطالب و مسائلی که بعد از تشکیل حکومت برای یک جامعه لازم است با نوع مطالب و مسائلی که [مربوط به] حین مبارزه‌ی مردم برای تشکیل حکومت اسلامی است فرق می‌کند؛ کمالینکه شما در جامعه‌ی خودمان هم این را مشاهده می‌کنید. امروز شما یک مسائلی دارید که این مسائل قبل از بهمن ۵۷ برای شما وجود نداشت، مطرح نبود...» ۶۱/۰۲/۱۷

حتی در دوران رهبری نیز تفسیر سوره‌های حمد و بقره در بیش از ۳۰ جلسه توسط ایشان ادامه یافت که برخی از جلسات، به پاسخ به سؤالات حاضرین نیز اختصاص داده شده است. در تمام دوران سی ساله‌ی رهبری ایشان نیز، همواره یکی از کارهای منظم ایشان، دیدار با قاریان و حضور در جلسات انس با قرآن بوده است. از این مهم‌تر، این نکته است که با دقت بر مواضع و جهت‌گیری‌های دینی و حکومتی ایشان می‌توان دریافت که همواره این مواضع، مبتنی و مستند بر معارف قرآنی و آموزه‌های آن بوده است. که در مجالی دیگر به آن خواهیم پرداخت. ●

منابع:

۱. کتاب خون دلی که لعل شد

۲. کتاب تفسیر سوره مجادله (از مجموعه بیان قرآن)

۳. کتاب تفسیر سوره بقره (از مجموعه بیان قرآن)

۴. کتاب شرح اسم

تفریح و این چیزهاست. ضیافت خدادار ماه رمضان یک شعبه‌اش روزه است، آن ضیافت خداست؛ یک شعبه‌اش روزه است و یک امر مهمش که مانده غیبی و آسمانی است قرآن است. شما دعوت شده‌اید به مهمانی خدا و شما در ماه رمضان مهمان خدا هستید. (امام خمینی (ره): ۲۱/تیر ۱۳۵۹)

تفسیر قرآن

باید بنیه معنوی خود را تقویت کنیم و گرنه...

ما که مسئولیت داریم، اگر بنیه معنوی خودمان را تقویت نکنیم نخواهیم توانست آن کار لازم را، آن مسئولیت سنگین را به سر منزل برسانیم. شما ملاحظه کنید خداوند متعال به کسی مثل پیغمبر، به انسان والا، مثل رسول الله در سوره می‌فرماید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يَا أَيُّهَا الْمُرْسَلُ * قُمِ اللَّيْلَ أَقْلِيلًا * نَصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ دِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۱) نیمی از شب - یا زیاده‌تر یا کمتر - برخیز عبادت کن، دعا کن، مناجات کن، قرآن بخوان، آن ساعات را مشغول باش؛ چرا؟ اَنَا سَتَلْقِيكَ عَلَيْكَ قَوْلًا تَقِيلًا (۲) کارت مشکل است، کار سنگینی بر دوش تو است، قول ثقیلی را به تو القا خواهیم کرد؛ باید آن را بتوانی تحمل کنی. اگر این بیداری نیمه‌شب، این تضرع، این دعا، وجود داشت، می‌توانی این بار را تحمل کنی و ببری و به منزل برسانی. ● ۹۷/۲/۲ (سوره می‌فرماید: قُمِ اللَّيْلَ أَقْلِيلًا | ۲) (سوره می‌فرماید: قُمِ اللَّيْلَ أَقْلِيلًا | ۲)

درس اخلاق

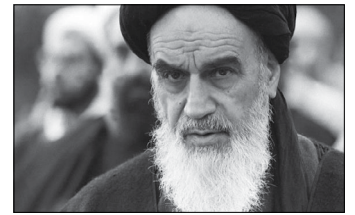
فرصت سحرهای ماه رمضان را از دست ندهید

سحر ماه رمضان همه پامی شوند؛ نباید این سحر را از دست داد؛ سحر فرصت خیلی خوبی است. مکرر عرض کرده‌ایم که اگر ماها را سحر استفاده نکنیم، در این دنیای شلوغ، وقت دیگری نداریم برای خلوت با خودمان، با دلمان، با خدای خودمان؛ واقعاً وقتی باقی نمی‌ماند. آن فراغت‌هایی که وجود داشت، امروز وجود ندارد - البته! - نقص زمانه نیست، طبیعت زمانه است - بالاخره امروز وسایلی هست و زندگی، یک زندگی ماشینی است. امروز پدیده‌هایی وجود دارد که این پدیده‌ها در گذشته وجود نداشته؛ لذا گرفتاری زیاد است. نمی‌شود در ایام روز - چرا! البته! - اوحده از مردم، در حال حرکت، در حال معامله، در حال کار فنی، در حال کار با رایانه، در همه اوقات با خدای متعال مأنوسند و مشغول ذکرند و ذکر دائم دارند: اَلَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ؛ بعضی‌ها این جور هستند که دائم در نمازند؛ حالا ما که در دستان به دامن آنها نمی‌رسد و از آنها دوریم، ولی کسانی آن جور هستند - فرصت مافقط سحر است؛ اگر چنانچه سحر را از دست بدهیم، دیگر واقعاً فرصتی باقی نمی‌ماند. ● ۹۸/۲/۱

رمضان آمد، اقبال کرد، آمد. در ضمنش می‌فرمایند که «دُعَيْتُمْ اِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ» ضیافت‌های خدا با ضیافت‌های مردم این است فرقتش که وقتی شما را یک اشخاصی دعوت بکنند به یک مهمانی، وقتی بروید در آن مهمانی به حسب فراخور حال، یک چیزهایی برای خوردنی و یک چیزهایی برای

در این ماه مبارک خودتان را تقویت کنید

ماه مبارک رمضان نزدیک شد و در این ماه مبارک خودتان را تقویت کنید به قوت‌های روحانی. در یک حدیثی است که پیغمبر اکرم فرمودند که ماه



احکام شرعی

شرایط و جوب و صحت روزه

س: اگر فردی به خاطر عذری قوی، پنجاه درصد احتمال دهد که روزه بر او واجب نیست و به همین دلیل روزه نگیرد، ولی بعداً معلوم شود که روزه بر او واجب بوده، از جهت قضا و کفاره چه حکمی دارد؟
ج: اگر افطار عمدی روزه‌ی ماه مبارک رمضان به مجرد احتمال عدم وجوب روزه بر وی باشد، در فرض سؤال علاوه بر قضا، کفاره هم بر او واجب است. اما اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ عقلایی داشته باشد، کفاره واجب نیست، ولی قضا بر او واجب است.
س: اگر شخصی بخواهد قبل از زوال به محل اقامتش برسد، ولی در راه به خاطر پیشامد حادثی نتواند در زمان معین به مقصد برسد، آیا روزه او اشکال دارد و آیا کفاره بر او واجب است یا فقط قضای روزه آن روز را باید به جا آورد؟
ج: روزه‌اش در سفر صحیح نیست و بر او فقط قضای روزه آن روزی که پیش از ظهر به محل اقامتش نرسیده، واجب است و کفاره‌ای هم ندارد. ●

روش تحلیل سیاسی

لجاجت به گمراهی افرادمی انجامد

بعضی اشخاص لجبازند و هر چه انسان حقیقت را در مقابل‌شان قرار می‌دهد، روی موضع لجوجانه‌ی خود اصرار می‌کنند. چنین رویه‌ای، انسان را از حقیقت دور می‌کند. فرد لجوج، در ابتدای لجبازی، هنوز اندکی نور حقیقت را می‌فهمد و احساس می‌کند که کارش بر اساس لجبازی است. اما وقتی لجاجت وی تکرار شد، دیگر آن اندک نور حقیقت را هم نمی‌فهمد. در او، باطن و اعتقاد و عقیده‌ای دروغین به وجود می‌آید که اگر به خود برگردد و تعمق کند، می‌بیند اینکه در ذهن اوست، عقیده نیست، «عن ظهر القلب» و از باطن جان، نیست. اما لجاجت نمی‌گذارد که او سرش حقیقت و پیام معنویت و حق را به گوش جان بشنود. دیدید کسانی که در مقابل اسلام و انقلاب اسلامی و فرمایشات امام و حقانیت واضح و مظلومانه ملت ایران ایستادند و لجاجت کردند، چگونه این لجاجت به گمراهی‌شان انجامید! ● ۷۳/۱۱/۱۴



دیدار رهبر انقلاب با آیت‌الله سید عزالدین زنجانی

به مناسبت ۲۴ اردیبهشت، سالگرد رحلت آیت‌الله سید عزالدین زنجانی

کانون توجه فرزندانگان و اصحاب اندیشه

این بزرگوار که از عالمان برجسته و ذی‌فنون به شمار می‌رفتند، از زنجان و نیز دوران اقامت طولانی در مشهد مقدس، کانون توجه فرزندانگان و اصحاب اندیشه و هنر نیز قرار داشتند و محفل گرم هدایت و افاده‌ی ایشان محل حضور طبقات گوناگون بود. ● ۹۲/۲/۲۵

خانواده ایرانی

زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را معرفی کرده است

زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی، و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیر زنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محبیه و شریف بود و در عین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیز سنگر‌سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. ● ۹۱/۱۲/۱۶

حزب‌الله این است



منافذ فرهنگی را بشناسید و در مقابل آنها کار انجام دهید

پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند؛ آتش به اختیار، به معنای بی‌قانونی و فتاحشی و طلبکار کردن مدعیان پوچ‌اندیش و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست. نیروهای انقلابی بیش از همه باید مراقب نظم کشور، مراقب آرامش کشور، مراقب عدم سوءاستفاده‌ی دشمنان از وضعیت کشور، و مراقب حفظ قوانین [باشند]. ● ۹۶/۴/۵

از جمله کارهای مهم، کارهای فرهنگی است؛ ما خلل و فرج فرهنگی زیاد داریم؛ جاهایی که نفوذگاه دشمن است از لحاظ فرهنگی، بسیار است... «آتش به اختیار» به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است؛ آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوان‌ها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان را ابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را -